

بررسی سبک‌های فرزند پروری در منابع اسلامی

آزاد کوخایی^۱

رمضانعلی رودمقدس^۲

چکیده

فرزند پروری از دیر زمان از موضوعات مورد توجه انسان‌های بزرگ بوده است. در منابع اسلامی نیز به شیوه‌های تربیت فرزند اشاره شده است. اندیشمندان اسلامی با الهام‌گیری از کلام خدا، دستورالعمل‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند. در منابع مختلف چهار سبک فرزند پروری مستبدانه، سهل‌گیرانه، مسامحه‌کارانه و مقتدرانه مطرح شده است. بر مبنای آموزه‌های اسلامی، پدر و مادر وظیفه اصلی فرزند پروری را بر عهده دارند. در این مقاله در ابتدا سبک‌های رایج فرزند پروری مورد بررسی شده در ادامه دیدگاه اسلام در مورد سبک‌های فرزند پروری آمده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سبک مقتدرانه نزدیک‌ترین شیوه به روش تربیتی اسلام است. هدف این دیدگاه در نهایت تربیت یک انسان جاه‌طلب و برتری طلب است ولی هدف اسلام، پیشرفت معنوی با خدمت به هم‌نوع و در نهایت قرب الهی است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزند پروری، منابع اسلامی، تربیت فرزند.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی (azadkokha@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (ali.roodmoghaddas@gmail.com).



مقدمه

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج و تولید مثل با هم زندگی می‌کنند. این نهاد اجتماعی در طول تاریخ، نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن انسان داشته است. بدون شک خانواده مهم‌ترین نهادی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی وی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است (موسوی، ۱۳۸۳). روان‌شناسان رشد، همواره علاقه مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی پدر و مادر را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی فرزندان مطالعه و بررسی کنند. یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه، فرزند پروری نامیده می‌شود (دارلینگ و استرینگ، ۱۹۹۳). اگر به تأثیر خانواده در شکل‌گیری شیوه‌های فرزند پروری نظری بیندازیم، درمی‌یابیم که بچه‌ها از طریق روابط تأثیر گذاری و تأثیر پذیری می‌شوند. در واقع این کانون گرم خانواده است که انسان‌ها و افراد را می‌سازد و این ساختن‌ها در کودکی بیشتر است. کودک در دوران حساس زندگی خود، زیر سلطه پدر و مادر قرار دارد (هیلگارد، ۱۳۶۹). سبک‌های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای پدر و مادر است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزند پروری بادوامی را پدید می‌آورند (برک لورا، ۱۳۸۷: ۴۸۰). هر خانواده‌ای با توجه به ویژگی‌های پدر و مادر و تقاضاهای آنها و پاسخ‌دهی فرزندان، شیوه‌های تربیتی و فرزند پروری ویژه‌ای را انتخاب می‌کند که با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی‌های خاص در فرزندان، رابطه نشان داده‌اند (بامریند، ۱۹۹۱).

در متون اسلامی نیز فرزند پروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه اسلامی مسئولیت فرزند پروری در اصل به عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است. امام سجاد (ع) در این زمینه می‌فرماید: «حَقُّ وُلْدِكَ أَنْتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ [به] مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدِلَالَةِ عَلَي رِبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ عَلَي طَاعَتِهِ فَبِكَ وَ فِي نَفْسِهِ»: حق فرزند تو این است در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کرده به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری‌اش دهی (حرانی، ۱۴۰۰ ق: ۲۶۳). همچنین رسول اکرم (ص) چهره دیگر این مسئولیت‌پذیری

از ناحیه پدر و مادر را، حق فرزند بر پدر و مادر دانسته بر لزوم پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش فرزند تأکید فرمودند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲). با توجه به اهمیتی که اسلام به تربیت فرزند و شیوه‌های فرزند پروری دارد، در این مقاله به بررسی سبک‌های فرزند پروری با توجه به منابع اسلامی می‌پردازیم.

بیان مسئله

ارتباط پدر و مادر و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده، نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را در مورد جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود (هیبتی، ۱۳۸۱).

دوران کودکی دورانی بسیار حساس و مهم در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد است و تأثیرات آن تا پایان عمر باقی می‌ماند. از این رو توجه به تربیت کودک در این دوره ضروری است. هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی - اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزند پروری نامیده می‌شود، متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (هیبتی، ۱۳۸۱). فرزند پروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری، مبین تلاش‌های پدر و مادر برای واپایش و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند، ۱۹۹۱). منظور از سبک‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که پدر و مادر برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند؛ همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند.

تنها مکتبی که از حین تولد انسان (بلکه قبل از تولد) تا زمان وفات او برنامه زندگی ارائه کرده، اسلام است. هیچ مکتبی در دنیا غیر از مکتب اسلام، چنین خاصیتی ندارد. تربیت در اسلام تنها انجام مناسک دینی نیست؛ بلکه پروراندن هر صفت و کمالی است که انسان به عنوان جانشین خدا بر زمین و انسان به



عنوان انسان باید دارا باشد. برنامه‌ها و دستورهای تربیتی مکتب انسان‌ساز اسلام توسط قرآن مجید در اختیار ما گذاشته شده که متعلق به همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و کاملاً از هر نقص و ایرادی عاری است (بجدی، ۱۳۹۲). در اسلام تربیت فرزند از مهم‌ترین وظایفی است که در درجه اول به عهده پدر و مادر و سپس به عهده معلمان و مربیان نهاده شده است؛ چراکه تربیت اولاد رابطه مستقیم با صلاح و فساد جامعه دارد. اگر فرزندان در محیط خانواده‌ها درست تربیت شوند، از این ناحیه مشکلی برای جامعه پیش نمی‌آید. برعکس اگر فرزندان با تربیت نادرست پا به عرصه اجتماع بگذارند، رفتار سوء آنان خواه ناخواه به جامعه سرایت کرده، تأثیر منفی بر آن می‌گذارد. چنان‌که بسیاری از نابه‌سامانی‌های اخلاقی و رفتاری موجود در جوامع کنونی، ناشی از انحرافات اخلاقی نسل جوان است که بخش عمده آن ریشه در تربیت خانوادگی آنان دارد. از این رو، پدر و مادر در تربیت فرزند وظیفه‌ای بس مهم بر عهده دارند که باید به آن توجه کنند. امام سجاد (ع) در تربیت فرزند در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه از خداوند استمداد می‌طلبند و عرض می‌کنند: «اللَّهُمَّ اَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ»؛ خدایا! مرا در تربیت، ادب‌آموزی و نیکوکاری فرزندانم یاری و مدد فرما (امام سجاد، ۱۳۷۶: ق ۱۲۲). حضرت در این کلام به پدران و مادران می‌آموزد که در تعلیم و تربیت فرزند باید از خداوند متعال استعانت جست و با امید به امدادهای او به این امر اقدام کرد و گرنه تلاش‌های پدر و مادر بدون کمک‌های الهی به جایی نمی‌رسد و آنها نمی‌توانند فرزند صالحی را پرورش و تحویل جامعه دهند. سبک‌های فرزندپروری هر کدام با ویژگی‌هایشان بیانگر روش‌هایی است که در آن، فرزندان قابلیت‌های خود را به دست می‌آورند. این مقاله درصدد است تا سبک‌های فرزندپروری را از دیدگاه منابع اسلامی و آیات و روایات بررسی کند. بدین منظور، تحقیق مزبور در آغاز به بررسی سبک‌های فرزندپروری در حوزه‌های روان‌شناسی و سایر منابع می‌پردازد، سپس هر کدام از این سبک‌ها را از دید اسلام بررسی می‌کند و در نهایت به این سؤال پاسخ می‌دهد که از دیدگاه اسلام بهترین سبک فرزندپروری کدام است و این سبک چه ویژگی‌هایی در مقایسه با سبک‌های چهارگانه فرزندپروری دارد.



اهمیت و ضرورت تربیت فرزند و فرزند پروری در اسلام

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم می کنند و مشمول رحمت خداوند قرار می گیرند. درباره عقاید صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده پدر و مادر گذاشته شده است؛ زیرا تأثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القا می شود، در آینده او غیر قابل انکار است.

اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر کسی پوشیده نیست. همه مکاتب و مذاهب برای تربیت آدمی در دوران کودکی، به دلایل متعدد، اهمیت ویژه ای قایل اند. اسلام نیز که در رأس همه ادیان قرار دارد، بر تربیت در دوران کودکی تأکید فراوان دارد و آن را از وظایف پدر و مادر و حقوق فرزندان می داند. امام صادق (ع) می فرمایند: «تجب للولد علی والده ثلاث خصال: اختیاره لوالدته و تحسین اسمه و المبالغه فی تأدیه». فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت او (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۸: ۲۳۶).

اسلام پدر و مادر را به تربیت نیکوی فرزندان شان ترغیب و تشویق کرده است. امام سجاد (ع) در رساله الحقوق فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ الْوَالِدِ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَإِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ»: حق فرزند این است که بدانی او از توست و در دنیا با هر خیر و شری که دارد، به تو منسوب است و تو مسئول تربیت نیکو و راهنمایی اش به سوی خدا و یاریش در اطاعت از پروردگارش هستی (حرانی، ۱۴۰۰ ق: ۲۶۳).

انسان هر روز در جامعه انواع نابه سامانی ها و بزه کاری ها را می بیند. سرقت، کلاه برداری، نیرنگ بازی، دروغ و کلک و امثال آن، هر روز بیش از گذشته در اجتماع گسترش می یابد و بی بند و باری ها و هوس بازی ها، روز به روز بیشتر می شود. اغلب این نوع خلافاکاری ها به وسیله جوانان و نوجوانان و حتی کودکان انجام می گیرد. اگر این مسئله را ریشه یابی کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که همه این رفتارهای نابه هنجار به چگونگی تربیت خانوادگی فرزندان منتهی می شود.



تربیت فرزند در قرآن

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم نارا»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید. امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «یعنی به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید» (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۳).

فرزندانی که تحت سرپرستی پدر و مادر به خوبی تربیت می شوند، می توانند افراد مفیدی برای خود و جامعه واقع گردند؛ زیرا تربیت فرزندان می تواند بهترین هدیه از سوی پدر و مادر برای فرزندان محسوب شود. اسلام کودک را امانتی از جانب خداوند در دست پدر و مادر می داند و تربیت او را نیز بر ذمه آن دو گذاشته است.

خداوند متعال یکی از ویژگی های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می داند تا آنجا که آنها در برابر فرزندان و خانواده خویش احساس مسئولیت فوق العاده ای می کنند؛ چنان که در آیه ۷۴ سوره فرقان آمده است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُوَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»: و کسانی اند که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنایی چشمان باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.

از آیه فوق و روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به خوبی استفاده می شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش، مسئولیت سنگین تری نسبت به دیگران داشته موظف است در حدتوان در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه باز دارد و به نیکی هادعوت کند؛ نه اینکه تنها به تغذیه جسم آنها بسنده نماید. یکی از امتیازات و ویژگی های قرآن مجید این است که خود یک کتاب تربیتی است و همه آیات آن به طور مستقیم و غیر مستقیم در مقام تربیت انسان در رده های مختلف سنی (از خردسال تا کهنسال) است. این کتاب آسمانی گاه وظیفه خطیر مزبور را به صورت مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم بیان کرده است. یکی از بخش های مهم تربیت، تربیت فرزندان است که قرآن در سوره های متعدد و در ضمن بیان سرگذشت انبیا و فرزندان آنان (حضرت نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف و...) به مسائل تربیت فرزند (اهمیت، محورها، شیوه ها و...) آگاهی داده است. اوج آموزه های قرآن در این زمینه را در سوره لقمان می توان دید که خداوند متعال به صورت مستقیم محورهای مختلف تربیتی را از زبان لقمان خطاب به فرزندش بیان کرده است.



مراحل تربیت و پرورش فرزند از منظر اسلام

در منابع اسلامی مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت او یعنی هنگامی که خاک به صورت گیاه سپس به مواد غذایی، خون و نطفه مبدل شود تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضغه و... درآید و آماده افاضه روح گردد، متذکر می شود. تربیت تکوینی الهی طی این مراحل، او را همراهی می کند. همچنین قرآن پس از ولادت به بیان سه مرحله رشد یعنی «کودکی، جوانی و بزرگسالی» می پردازد که در اینجا پای مسئولیت تربیت انسان به میان می آید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: اوست خداوندی که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه و آنگاه از علقه تا آنکه به صورت کودکی درآورد تا به مرحله رشد برسید و رهسپار دوران پیری شوید. از میان شما کسی است که مرگ پیشرس می یابد و تا به مدتی که مقرر است برسید و امید که در اندیشه فرو روید. (غافر، آیه ۶۷)

از منظر اسلام، رشد سه مرحله هفت ساله دارد که تا بیست و یک سالگی به نقطه اوج می رسد. در روایت ارزشمندی از امام صادق (ع) در این باره آمده است: «دَعُ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ الزِّمَّةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَالْأَفْلَاحُ خَيْرٌ فِيهِ»: فرزندت را هفت سال رها کن تا بازی کند و هفت سال دوم او را تربیت کن و هفت سال سوم نیز همراه و ملازم او باش. اگر هدایت شد، چه خوب و گرنه دیگر خیری در او نیست (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۵۱: ۱۹۴).

تربیت انسان از تولد تا بیست و یک سالگی، در سه مرحله گنجانده شده و برای هر سه مرحله، مدت زمان یکسان، یعنی هفت سال در نظر گرفته شده است که عبارت اند از:

۱- مرحله اول- بازی، خوشی و سیادت: این مرحله از تولد شروع می شود و تا هفت سالگی ادامه دارد. فرزند در اوان کودکی هنوز دنیای خود را نمی شناسد و به طور کامل با آن در ارتباط نیست. او نمی تواند کارهای شخصی خود را انجام دهد و از این نظر این مرحله به سن رفع نیازها هم تعبیر می شود.



اهمیت تربیت در سن سیادت، به این علت است که شخصیت فرد در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد. بر اساس آیات و روایات، سال‌های اول زندگی کودک اهمیت بسیار زیادی دارد و توصیه‌های متعددی در این زمینه شده است. نیازهای اساسی کودک در این دوران از زندگی باید مورد توجه قرار بگیرند. یکی از مهم‌ترین نیازهای کودک در دو سال اول زندگی، نوازش و مهربانی است. آرامش، نیاز اساسی دیگر کودک در این زمان به شمار می‌آید. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا ۖ إِذَا أَبَهُمْ يَغْفِرُ لَكُمْ»: فرزندانان را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آموخته‌شده شوید (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۳). این بیان گواهی بر لزوم شخصیت‌دادن به فرزندان است و بر الگودهی شایسته به آنان و طرز رفتار صحیح با آنها نیز تأکید می‌ورزد.

۲- مرحله دوم- آموختن قرآن، خواندن و نوشتن و ادب‌آموزی: این مرحله فاصله زمانی هفت سالگی تا چهارده سالگی فرزند را در برمی‌گیرد. در این دوره تغییرات محسوسی در تن و روان فرزند پدید می‌آید. جسم او نسبتاً قوی‌تر، ذهنش رشد یافته‌تر و فهمش بیشتر می‌شود. همچنین رابطه اجتماعی وی با مادر کاهش می‌یابد و وی شور و علاقه خاصی برای ارتباط با همسالان خود نشان می‌دهد تا جایی که پس از پذیرش از سوی افراد گروه به آرامش می‌رسد. فرزندان در این سن و سال تا حدودی خوبی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کنند، ولی از آنجا که هنوز به رشد کافی عقلانی برای تشخیص مصلحت خود نرسیده‌اند، نیازمند آگاهی و تربیت مستقیم هستند.

۳- مرحله سوم- وزارت و مشارکت در امور و آموختن حقوق و احکام: مرحله مزبور از چهارده سالگی فرزند شروع می‌شود و تا بیست و یک سالگی ادامه دارد. وزیر بودن، همراهی و همراهی با پدر و مادر، یادگیری حلال و حرام و دشمنی یا دوستی با پدر و مادر از خصوصیات کودک در این مرحله ذکر شده است. در این دوره هر کس بنا به سنت الهی باید مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد. در مرحله مزبور فرزند از حلال و حرام آگاهی می‌یابد و برای اعمال او، ثواب و عقاب در نظر گرفته می‌شود. از این رو، در برنامه‌های تربیتی اسلام، به جوانان عنایت بسیار شده استفاده صحیح از زمینه‌های فطری، ایمانی، عقلی و عاطفی آنان، مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«اغْتَنِمْ خُمْسًا قَبْلَ خُمْسِ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرْمِكَ»: پنج چیز را غنیمت شمارید؛ پیش از آنکه از دست برود. یکی از این پنج چیز جوانی است. همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «مَا فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ



شاب تائب: «چیزی نزد خدا پسندیده تر از جوان توبه کار نیست (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵: ۹). علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن (ع) می نویسد: «دل جوان همچون زمین ناکشته است. هر چه در آن افکنند، بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد تا با رأی قاطع، روی به کاری آری و از آنچه خداوندان تجریت در پی آن بودند و آزمودند، بهره برداری» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۲۹۷).

سبک های فرزند پروری

سبک فرزند پروری به عنوان مجموعه ای از نگرش ها نسبت به کودک است که منجر به ایجاد جو هیجانی شده رفتارهای پدر و مادر در آن جو بروز می کند. این رفتارها هم در برگیرنده رفتارهای مشخص است که از طریق آن رفتارها، پدر و مادر به وظایفشان عمل می کنند و هم رفتارهای غیر مرتبط با هدف پدر و مادر بودن را مانند قیافه ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان های غیر ارادی در بر می گیرد (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳). این تعریف سبک فرزندپروری با تعدادی از تحقیقات اولیه ای که در دهه های سوم و چهارم قرن بیستم در مورد اجتماعی کردن صورت گرفته، همخوان است. در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در برگیرنده رفتارهای خاصی است که یا به طور مجزا یا با هم رفتارهای کودک را تحت تأثیر قرار می دهد؛ هر چند که رفتارهای فرزندپروری خاص، نسبت به الگوهای وسیع فرزندپروری در پیشگویی بهزیستی کودک اهمیت کمتری دارند (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳).

شیوه های فرزند پروری به روش هایی گفته می شود که پدر و مادر در برخورد با فرزندان خود اعمال می کنند و این روش ها می توانند در رشد و تکامل فرد در دوران کودکی و خصایص بعدی شخصیت وی تأثیر فراوان و عمیقی داشته باشند (شعاری نژاد، ۱۳۷۶). شیوه های فرزند پروری با توجه به دو بعد واپایش و مهرورزی به چهار شیوه مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه و مسامحه کارانه دسته بندی می شوند.



نگرش‌های فرزند پروری در منابع اسلامی

یکی از اساسی‌ترین منابع رفتار انسانی از منظر دین اسلام، برقراری اعتدال در برنامه‌های زندگی است که این اصل در تمامی زمینه‌ها از جمله برنامه‌های فرزندپروری کاربرد دارد. بر اساس این، افراط و تفریط در محبت، توجه، سخت‌گیری و نظیر آن رفتارهای نامطلوب به حساب می‌آید.

رابطه پدر و مادر با فرزند در درجه اول از نگرش آنها نسبت به فرزند تأثیر می‌پذیرد. منظور از نگرش‌های پدر و مادر، اندیشه‌ها، احساسات و آمادگی آنها برای عمل در مورد تربیت فرزندانشان است. اسلام نگرش‌های پدر و مادر را در مسیر صحیح قرار می‌دهد، به آنان می‌باوراند که فرزندان دارای حقوق هستند و انسان دارای مقام خلیفه الهی و مستعد اتصاف به همه کمالات است (انسان، آیه ۲) که رسیدن به آنها در گرو تربیت صحیح است. تربیت صحیح در سایه نگرش مثبت به فرزندان صورت می‌گیرد. پدر و مادر باید نگرشی مثبت نسبت به فرزندان داشته باشند و تربیت آنها را در راستای مظهریت صفات الهی قرار دهند. در نگرش اسلامی فرزندان به عنوان نعمت الهی نزد پدر و مادر امانت هستند (کلینی، ۱۳۳۷، ج ۶: ۷). و جزئی از وجود پدر و مادر معرفی شده‌اند. در قرآن و احادیث بر سبک فرزند پروری به طور ویژه ای تأکید شده است. در این زمینه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «روش مناسب، روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند و ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر نماید و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد» (حرعاملی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۱۱۵).

در روایات و سیره معصومین (ع) نگرش مثبتی نسبت به فرزند وجود دارد. پدر و مادری که معتقدند پدر یا مادر شدن، مسئولیت الهی یا مقدس است، در ایجاد ارتباط و حفظ آن به شکل مطلوب و مؤثر، نقش فراوانی دارند. در آموزه‌های اسلامی بر مسئولیت پدر و مادر در برابر فرزندان و تقدس و ارزش معنوی آنها، بسیار تأکید شده است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). از دیدگاه اسلام، پدر و مادر خود را مسئول تربیت فرزندان می‌دانند (حرانی ۱۴۰۴: ۲۶۳). شیوه فرزند پروری مسئولانه، مناسب‌ترین روش برای تربیت فرزند در دوران کودکی است. شیوه مسئولانه با تقاضاها و پاسخ دهی متناسب، در دو بعد واپایش و محبت، متعادل و به دور از افراط و تفریط است. در این شیوه، پدر و مادر می‌کوشند تا

فطرت فضیلت خواهانه فرزندان شکوفا شود. در شیوه مزبور پدر و مادر، فرزندان را به عنوان مخلوق‌های دارای کرامت خداوند دانسته، با محبت و مهربانی با آنان رفتار می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴: ۹۲). و عزت و احترام به آنان را وظیفه خویش می‌دانند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۶۲۵). در این روش رابطه عاطفی بین پدر و مادر و فرزندان، بر محور تعادل (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴: ۹۲). و متناسب با اهداف عالی تربیتی است. پدر و مادر نسبت به فرزندان، مهربان‌اند و انتظارات بیش از حد توان از آنها ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۱۱۴). ولی اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم می‌کنند. این پدر و مادر نسبت به سرنوشت فرزندان حساس‌اند و آنها را به حال خود رها نمی‌کنند، بلکه الگوی مناسبی برای آنها می‌باشند. در شیوه مزبور رفتارهای غیر اخلاقی کمتری مشاهده می‌شود و حتی اگر از پدر و مادر ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند. از این رو، پدر و مادر رفتارهایی که سلامت روانی و معنوی فرزندان را در معرض خطر قرار دهد، انجام نمی‌دهند و نسبت به آن، مصونیت پیدا می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵: ۱۷۸).

سبک‌های فرزند پروری و دیدگاه اسلام درباره آنها

سبک‌های فرزند پروری از یک دیدگاه به چهار دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: سبک مقتدرانه، سبک سهل گیرانه، سبک مستبدانه، سبک مسامحه کارانه. در ادامه به بررسی هر کدام از این شیوه‌ها می‌پردازیم، سپس دیدگاه اسلام را در باره آنها بیان می‌کنیم.

۱- سبک مستبدانه:

در این سبک، پدر و مادر قوانین خود را به صورت انعطاف ناپذیر بر فرزندان تحمیل کرده از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند و محبت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها عقاید و امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و اغلب دارای فرزندان گوشه‌گیر، خجالتی و بی‌اعتماد هستند (ماسن و همکاران، ۱۹۷۳). در خانواده‌هایی که روش تربیتی پدر و مادر مستبدانه است، محور روابط بر اساس قدرت، خشونت و رفتار و تربیت خود محوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است. به کار گرفتن این سبک در تربیت فرزندان، فضای زندگی را مسموم می‌سازد.



دیدگاه اسلام دربارهٔ سبک مستبدانه:

پیشوایان اسلام الگوی رفتاری همراه با اعمال قدرت را نادرست دانسته‌اند. از دیدگاه دین اسلام، انسان آزادی و اختیار دارد و اجبار، اکراه و تحمیل در تضاد با این ویژگی انسان و محروم کردن فرد از این موهبت الهی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَسْتَبِدُّ بِرَأْيِكَ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ»: در رأی خود استبداد نداشته باش که هرکس استبداد داشته باشد، هلاک می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴۴۳). پدر و مادر مستبد با این روش تربیتی خود، باعث کاهش کرامت و عزت نفس در فرزندان خویش می‌شوند که این بر خلاف روش تربیتی اسلام است. محور روش تربیتی اسلام، بر پایهٔ کرامت و حفظ عزت نفس فرزندان تکیه دارد.

پیشوایان اسلام، الگوی تربیتی همراه با سختگیری و اعمال قدرت را نادرست تلقی کرده‌اند. امام علی (ع) در نهج البلاغه در این مورد می‌فرماید: «فرزند انسان به حکم اینکه انسان و دارای شعور و اندیشه است، باید از طریق پند و اندرز و ادب شایسته تربیت شود؛ نه از طریق زورگویی و تنبیه بدنی» (نهج البلاغه: نامه ۳۱). بهترین نوع رابطهٔ پدر و مادر و فرزندان، رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد. در سایهٔ محبت است که فرزندان به پدر و مادر خود اعتماد و به سوی آنها گرایش پیدا می‌کنند (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۸: ۵۱۰). ابراز محبت به فرزندان سمت و جهت می‌دهد و حاصل آن، توجه عمیق فرزندان نسبت به پدر و مادر است. هنگامی که این توجه به دست آمد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به برخی کارهای صالح و با منع محبت او را به ترک رفتار برانگیخت؛ زیرا یکی از ویژگی‌های محبت این است که میان محبت و اطاعت رابطهٔ معین وجود دارد. با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می‌شود و محب به محبوب تاسی می‌کند. انسان به هرچه علاقه مند باشد، بدو متمایل می‌شود و سعی در همسانی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۱۷۷).

از دیدگاه اسلام، محبت یکی از اصول تربیتی کودک است که بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و از محبت نکردن به شدت نکوهش شده است. بنابراین در کنار محبت، صلابت و دقت در تربیت کودک نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این، کودک در عین اینکه محبت می‌بیند، اما رها نیست تا هرکاری که خواست، انجام دهد. از سوی دیگر، در عین اینکه تربیت می‌شود، مورد محبت و مدارا نیز

قرار می‌گیرد. به همین دلیل از افراط در ملامت‌ها و خشونت، که از شاخصه‌های الگوی سخت‌گیری بدون محبت است، نهی شده است. الگوی تربیتی اسلام بعد سومی به نام تکریم دارد که به معنای احترام گذاشتن به کودک و ارزش قایل شدن برای اوست. از دیدگاه اسلام کودک به خاطر کودک بودن نباید تحقیر شود و احساس بی‌ارزشی یا کم‌ارزشی کند. اگرچه کودک بیشتر محتاج محبت است و بزرگسال محتاج احترام، ولی بدان معنا نیست که شخصیت کودک نباید محترم شمرده شود؛ همان‌گونه که مهر و عطف نسبت به بزرگسال نباید فراموش گردد (ری شهری، ۱۳۸۶).

پدر و مادر نباید زودتر از موعد از فرزند خود انتظار رفتار منطقی داشته باشند و یاد داریه همه کارها با او منطقی و خشک سخن بگویند، بلکه باید موقعیت او را درک و متناسب با آن با او رفتار کنند تا در خانه، احساس امنیت و آرامش نماید و پدر و مادر را نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین اشخاص به خود بداند. در این شیوه تربیتی، فرزندان دارای امنیت کافی می‌باشند و در ابراز آنچه در درون دارند و بروز استعدادها و خلاقیت‌های خود، احساس نگرانی نمی‌کنند؛ زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک، جرئت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می‌کند (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۴۴۹).

فرزندان در شیوه تربیتی مستبدانه با محدودیت‌های شدیدی در محیط خانواده روبه‌رو هستند و حق اظهار نظر ندارند. (شریعت‌مداری، ۱۳۷۸: ۲۱۰) پدر و مادر در شیوه تربیتی اسلام، فرزندان را مخلوقات دارای کرامت می‌دانند؛ چنان که در آیه ۷۰ سوره اسراء آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»: و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته‌ایم و در خشکی و دریا بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی داده‌ایم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار بخشیدیم. در شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر عزت و احترام به فرزندان را وظیفه خویش تلقی می‌کنند و به روش‌های مختلف به تکریم شخصیت فرزندان خود می‌پردازند؛ زیرا خود را پدر و مادر مسئول می‌دانند. اگر نیاز طبیعی انسان به کرامت نفس تأمین نشده فرد مورد تحقیر قرار بگیرد و خود را ناتوان ببیند، به هر کاری تن می‌دهد و فرد دچار عقده و حقارت شده برای عقده‌گشایی، ممکن است در صدد انتقام جویی برآید (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۷۲).

از ویژگی‌های دیگر سبک مستبدانه، تربیت فرزند به هنگام خشم و ارتباط کلامی نامطلوب است.



در این شیوه معمولاً هیچ امری به اندازه نظم و انضباط برای پدر و مادر، ارزش ندارد؛ به گونه ای که پدر و مادر گاهی برای اعمال نظم و انضباط از شدیدترین تنبیه‌ها استفاده می‌کنند و کمتر از تشویق بهره می‌گیرند. برعکس در شیوه تربیتی اسلام، از تربیت هنگام خشم نهی شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۲۶۰). در این شیوه پدر و مادر با ارتباط کلامی مطلوب و استفاده کردن از کلمات و جملات درست، رابطه خوبی بین خود و فرزندان برقرار می‌کنند؛ چرا که موفقیت در امر تربیت فرزندان در سایه ارتباط کلامی خوب می‌دانند. در شیوه مزبور از به کارگیری کلمات زشت و سبک نهی شده است؛ زیرا استفاده از کلمات بد، تأثیرات روانی و تربیتی بسیار بدی بر فرزندان خواهد داشت (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۵: ۳۰۶).

۲- سبک سهل گیرانه:

در سبک فرزندپروری سهل گیرانه، به تمایلات و خواسته‌های فرزندان، بیش از اندازه اهمیت داده می‌شود؛ به گونه ای فرزندان مجازند به خواسته‌های خود، آن گونه که می‌خواهند، دست یابند و آرزوهای خود را برآورده کنند. در اینجا به اصطلاح آزادی مطلق حکم فرماست. شعار طرفداران دیدگاه فوق این است که «کسی با کسی کاری نداشته باشد. بگذار هر چه می‌خواهد، انجام دهد.» منظور از آزادی چنان که مصطلح و معمول می‌باشد، این است که هر کس بتواند هر کاری را که میل دارد، انجام دهد و دیگران حق دخالت در کار او را نداشته باشند. کسی یا چیزی نباید مانع فرزندان شده در کارشان دخالت کند. در یک جمله، پدر و مادری که طرفدار چنین شیوه تربیتی هستند، معتقدند تمایلات فرزندان، حاکم بر رفتار آنهاست (دادستان، ۱۳۹۲: ۹۷).

پدر و مادر سهل گیر، بر فرزندان خود نظارت نمی‌کنند و از آنان توقعی هم ندارند. آنها در امور خانه نظم و تربیتی ندارند و در تنبیه یا پاداش دادن به فرزندان خود، چندان جدی نبوده از فرزندان خود انتظار رفتار عاقلانه ندارند و به آنان آموزش استقلال و متکی بودن به خود را نمی‌دهند (شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۲۱۲). در روش تربیتی سهل گیرانه، تقاضا، کم و پاسخ دهی، زیاد است و به فرزندان آزادی بیش از اندازه داده شده هدف‌گذاری مناسب برای آنها صورت نمی‌گیرد. این خانواده‌ها، به طور بی قید و شرط نیازهای کودکان را برآورده می‌کنند و الگوی تربیتی آنها فقط محبت و دوست داشتن است (همان منبع: ۲۱۵).



فرزند پروری سهل گیرانه از دیدگاه اسلام:

برخلاف روش تربیتی اسلام، پدر و مادر آسان گیر نسبت به تربیت فرزندان خود و نظارت بر آنها بی توجه هستند؛ در حالی که در شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر فرزندان را جزئی از وجود خود می دانند و در برابر آنها، احساس مسئولیت می کنند. بر مبنای شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند و تربیت فرزند به عنوان حق اساسی و مسلم فرزندان شمرده می شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۲۳۳۶).

اسلام همواره انسان را به میانه روی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط دعوت می کند. بنابراین، این سبک سهل گیرانه نیز از نظر اسلام مردود است.

یکی از اساسی ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین اسلام، وجود میانه روی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در تمام زمینه‌ها به ویژه در زمینه در روابط خانوادگی است. در سبک تربیتی اسلام محبت به فرزندان به اندازه کافی و بر محور تعادل است و از زیاده روی در محبت نهی شده است. امام صادق (ع) می فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که نیکی به فرزندان، آنان را به افراط بکشاند» (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۳۲۰). پدر و مادر در این خانواده‌ها از ارزش و جایگاه والایی برخوردار هستند و فرزندان حتی اگر از پدر و مادر ناراحت شوند، نسبت به آنها واکنش نامناسب نشان نمی دهند. در قرآن سپاس و احسان به پدر و مادر به عنوان حقی بزرگ در کنار حق خداوند متعال مطرح (اسراء، آیه ۲۲). و در روایات هم حق پدر و مادر به عنوان بزرگ ترین حق بین حقوق اجتماعی قلمداد شده است. در روایات اسلامی توصیه شده است که فرزند باید نسبت به پدر و مادر، فروتن و خاضع باشد، آن دورا بزرگ دارد، آنها را به اسم صلمانزند، جلوی آنها راه نرود و با مهر و محبت به آنها نگاه کند که چنین نگاهی، عبادت است (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶). بر اساس شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر نباید آن چنان آسان گیر و اهل تسامح باشند که فرزندان بتوانند هر کاری را می خواهند، انجام دهند و بدون هرگونه مراقبت و نظارتی به هر کجا می خواهند سرکشی کنند. این پدر و مادر هستند که باید فرزندان را از سقوط و انحراف از خط مستقیم الهی حفظ کنند و موظف و مکلف به مراقبت از فرزندان هستند. پدر و مادر از نگاه اسلام نسبت به فرزندان، مسئولیت سنگینی دارند و موظف اند تا آنجا که می توانند، در تربیت فرزندان خود بکوشند؛ چرا



که فرزندان در دست پدر و مادر، امانت الهی هستند. بنابراین باید در مراقبت و نظارت بر رفتار فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نوزند. اگر به فرزند آزادی بیش از حد داده شود، کم کم زمینه سرکشی آنها نسبت به پدر و مادر نیز فراهم می‌گردد (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۳: ۵۳).

۳- سبک مسامحه کارانه

در این سبک تقاضا و پاسخ دهی به میزان کم وجود دارند؛ یعنی روابط عاطفی میان پدر و مادر و فرزندان و همچنین نظارت بر فرزندان بسیار کم است. در این شیوه پدر و مادر در زندگی فرزندان خود اصلاً درگیر نیستند و راهنمایی به آنها ارائه نمی‌دهند. پدر و مادر بی کفایت و مسامحه کار نسبت به نقش پدر یا مادری خود در مراقبت از فرزندان (جز فراهم کردن لباس و غذای) تعهدی ندارند. (مکوبی، ۱۹۸۴). در این سبک پدر و مادر از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند و اغلب از رفتار فرزندان خود آگاهی ندارند. بیشتر این نوع پدر و مادرها، از بسیاری از نیازهای تربیتی فرزندان خود غافل هستند. بی مهری و طرد فرزندان از سوی پدر و مادر به دو طریق «بی اعتنائی به وجود فرزند و سخت گیری نسبت به کارها و فعالیت‌های او» انجام می‌گیرد. هنگامی که فرزند مورد بی اعتنائی کامل از سوی پدر و مادر قرار می‌گیرد، احساس می‌کند اگر چه یکی از اعضای خانواده است، در واقع نسبت به آنها بیگانه می‌باشد و سرباری بیش نیست.

دیدگاه اسلام در مورد سبک مسامحه کارانه:

تربیت فرزند از دیدگاه اسلام آن چنان از اهمیت برخوردار است که حضرت رسول اکرم (ص) پدر و مادری را که به این مهم بی توجه‌اند و خواندن و نوشتن و یادگیری کارهای واجب فرزند خویش را فدای مال دنیا می‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهند و برائت خود را از آنها چنین بیان می‌فرمایند: «وای به حال فرزندان آخر الزمان از دست پدرهایی که هیچ یک از کارهای لازم و واجب را به آنها نمی‌آموزند و هنگامی که خود فرزندان می‌خواهند به فراگیری علم بپردازند، آنها به خاطر کمی مال دنیا مانع از آن می‌شوند. من از این نوع پدران بیزارم و آنها هم از من بیزار خواهند بود» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۹۰). پدر و مادر مسئول، فرزندان خود را به ارزش‌ها و آداب نیکو آشنا می‌کنند، آنان را به آداب حسنه مؤدب می‌سازند، تعهد و پایبندی به ارزش‌ها و امور شایسته را در آنان پدید می‌آورند و از آنها



افرادی شایسته، مؤمن، متدین و نیکوکار می‌سازند (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۶۳).

در روش تربیتی اسلام از غفلت نسبت به تربیت فرزندان نهی شده است و ضمن تعادل در تقاضاها و پاسخ‌دهی، روابط عاطفی و معقولی بین پدر و مادر و فرزندان وجود دارد. نظارت و مراقبت غیر مستقیم، بر اساس ضوابط همراه با عواطف صورت می‌گیرد، به نیازهای مادی و معنوی فرزندان توجه می‌شود و پدر و مادر نسبت به سرنوشت فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کنند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). در شیوه تربیتی اسلامی پدر و مادر در بازی فرزند خود شرکت می‌کنند. آنها می‌دانند بازی نیاز طبیعی کودک بوده بدون آن، فرزند به رشد سالم نمی‌رسد. در ضمن همین بازی‌هاست که استعداد های طبیعی کودک پرورش یافته اخلاق و رفتار اجتماعی و انفرادی او شکل می‌گیرد و برای زندگی آینده آماده می‌شود. مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز بپردازد تا در بزرگسالی شکایا باشد (کلینی، ۶، ۱۳۶۷: ۵۱). در شیوه تربیتی اسلامی، پدر و مادر از هیچ نوع راهنمایی به فرزند خویش دریغ نورزیده خیر و سعادت فرزند را می‌خواهند. همچنین آنها در حضور دیگران، فرزند را نصیحت و راهنمایی نمی‌کنند تا به شخصیت او ضربه ای وارد نشود (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۹).

۴- سبک مقتدرانه

در این سبک، پدر و مادر به صورت افرادی با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار، کرده با ابراز محبت به فرزندان، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می‌سازند. آنها از نظر واپایش رفتاری، محدودیت‌های واضح و مناسب با سن فرزندان برای رفتارهای او در نظر گرفته اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند. با این حال هنگامی که موقعیت اقتضای کند، از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم بهره می‌گیرند (بامریند، ۱۹۹۱).

دیدگاه اسلام در مورد سبک مقتدرانه:

سبک مقتدرانه، نزدیک‌ترین روش به دستورهای تربیتی اسلام است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ، اَحْسِنُوا اَدَابَكُمْ»: فرزندان‌تان را گرامی بدارید و رفتار خود را با آنان نیکو کنید (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۱۹۵). این حدیث، افزون بر شخصیت دادن به فرزندان و لزوم الگودهی شایسته به آنان، بر رفتا



ر درست با آنها نیز تأکید دارد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «فرزند شایسته، دسته گلی از جانب خداوند است که میان بندگان قسمت می کند» (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۴: ۷۰۸۵). برای رسیدن به چنین موهبت عظیمی، شایسته است پدر و مادر با آگاهی تمام و با تربیت صحیح کودکان، راه را برای رسیدن به چنین مرحله ای بگشایند. مهم ترین وظیفه پدر و مادر نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی هایشان، خفیف و خوار جلوه ندهند. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید: «همان گونه که فرزند نباید به پدر و مادر خود بی احترامی کند، پدر و مادر نیز نباید نسبت به او بی احترامی نمایند» (همان منبع، ۷۱۰۹). احترام به کودک، روحیه استقلال و اعتماد به نفس را در او تقویت و به رشد سالم شخصیت او کمک می کند. این امر محبوبیت کودک را در میان همسالان خود به دنبال دارد و به تدریج استعداد او را در پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت شکوفا خواهد ساخت. پیشوایان دینی مادر بیانات خود را در پرورش صحیح و سالم کودک را برای مردم بیان می کرده خود نیز آن برنامه ها را در تربیت فرزندان خویش به کار می بستند و آنان را به عالی ترین شیوه پرورش می دادند (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۲).

احترام به حقوق فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، اهمیت به سزایی دارد؛ زیرا این کار به آنان می آموزد که در آینده، فردی عدالتخواه تربیت شوند. بدین دلیل پدر و مادر باید در میان آنها به عدالت رفتار کنند تا این خصیصه در رفتار آینده آنان جلوه گر شود. پیامبر اکرم (ص) در کلامی دیگر می فرماید: «میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید؛ همچنان که دوست دارید آنان نیز، در احترام و محبت، میان شما عادلانه عمل کنند» (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۴: ۷۰۸۹).

نتیجه گیری:

امروزه بروز ناهنجاری‌های رفتاری در کودکان و نوجوانان و پیامدهای ناگوار آن برای فرزندان، خانواده ها و اجتماع باعث شده است که مسئله تربیت کودک به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و غامض‌ترین مسائل روزانه مطرح گردد. روش تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام اهمیت و ارزش والایی دارد. روش فرزند پروری مبتنی بر اصولی که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است، می‌تواند پیامدهای مثبتی در پی داشته باشد. نظریه تربیتی اسلام، مجموعه‌ای هماهنگ و یکنواخت از اصول و قواعد تربیت است که از قرآن، روایات و سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) گرفته شده است.

در سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه، مسامحه کارانه، سهل گیرانه و مستبدانه بیشتر بر نوع شخصیت پروری پدر و مادر و نگرش آنها تأکید می‌شود؛ در حالی که در شیوه فرزند پروری از دیدگاه اسلام، از یک سو فطرت خود فرزند مدنظر قرار می‌گیرد و پدر و مادر موظف‌اند برنامه ریزی تربیتی خود را بر اساس آن انجام داده خواسته‌های شخصی خود را در این زمینه به کار نگیرند. از سوی دیگر پدر و مادر موظف‌اند از احکام، دستورها و راهنمایی‌های هدایتی و تربیتی پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) استفاده نمایند که بر اساس آموزه‌های الهی مطرح کرده‌اند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

در روش تربیتی اسلام از آنجا که پدر و مادر به حقیقت و جودی انسان آگاه هستند و انسان را مستعد رسیدن به همه کمالات می‌دانند، در نتیجه هدف از تربیت فرزندان را رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات خداوند سبحان می‌دانند. با توجه به مطالب فوق، از دیدگاه اسلام بخشی از مهم‌ترین وظایف پدر و مادر نسبت به فرزندان چنین است:

۱ - احترام به فرزند:

یکی از وظایف مهم پدر و مادر، احترام به شخصیت فرزند است. چنان که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «اَكْرِمُوا اَوْلَادِكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابِهِمْ». به فرزندانتان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت نمایید (نهج الفصاحه، کلمه ۴۵۱).



۲- توجه به استقلال طلبی فرزند:

بذر استقلال طلبی از سال‌های آغازین زندگی کودک، شروع به رشد و جوانه زدن می‌کند و پدر و مادر باید زمینه را برای رشد متعادل این میل فراهم آورده آزادی‌های لازم را به او بدهند. البته آزادی باید محدود باشد. روش‌های آزاد منشانه، به کودکان و نوجوانان حق انتخاب و گزینش داده زمینه را برای خلاقیت و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان فراهم می‌سازد. واپایش و تذکر بیش از حد، تأثیر معکوس داشته و اعتماد به نفس کودک و نوجوان را از بین می‌برد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۷۷).

۳- پرورش شخصیت کودکان:

پدر و مادر با روش‌های مختلف می‌توانند شخصیت کودکان خود را پرورش دهند که مهم‌ترین آن، سلام کردن و هم بازی شدن با آنهاست. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًّا: کسی که کودکی دارد، باید (در راه تربیت او) کودکانه رفتار کند (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۲۶).

۴- اظهار محبت:

اولین نیاز روانی کودک و نوجوان، مهر و محبت و دوست داشتن آنهاست. هر کودک و نوجوانی برای داشتن احساس امنیت، باید مورد محبت قرار گیرد. ابراز محبت، موجب دلگرمی و علاقه‌مندی فرزندان به شما و زندگی خواهد شد. احساس امنیت در نوجوان سبب می‌شود زمینه پیوند شما با او توسعه یابد و در این رابطه رفتار صحیح دینی را بیاموزد. رابطه مهر آمیز همراه با گذشت و مدارا، با همگان و به خصوص با کودکان و نوجوانان، قوی‌ترین، پرجاذبه‌ترین و سازنده‌ترین رابطه‌هاست (همان منبع: ۷۶).

۵- جهت دهی مثبت به احساسات:

کم اهمیت جلوه دادن اشتباهات و تقدیر از رفتارها و کارهای ارزشی و پسندیده فرزندان، سبب می‌شود که آنها به خود دلگرم شوند و احساس ارزشمندی کنند. تقویت احساسات و ارزش‌های مثبت، یکی از مؤثرترین عوامل برای هدفمند سازی گرایش‌های دینی فرزندان محسوب می‌شود. درباره نتیجه بحث باید گفت از میان سبک‌های فرزندپروری رایج، تنها شیوه فرزندپروری مقتدرانه، به دلیل حاکم بودن فضای عاطفی و روابط محترمانه میان پدر و مادر و فرزندان، ارزشمند است و می‌توان انتظار رویش شکوفه‌های ثمربخش را داشت.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم و نهج البلاغه.
- ۲- احمدی، حسن و مونا دریا افزون (۱۳۸۷)؛ مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزندپروری تهران: روزنامه آفرینش.
- ۳- برک، لورا (۱۳۸۷)؛ روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)؛ ترجمه یحیی سید محمدی؛ (تهران: ارسباران).
- ۴- بی ریا، ناصر و دیگران (۱۳۸۳)؛ روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی؛ جلد ۲؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۵- بجلی، جواد (۱۳۹۲)؛ اهمیت و اصول تربیت فرزندان در پرتو کتاب و سنت.
- ۶- پرچم، اعظم، مریم فاتحی زاده و حمیده اله یاری (۱۳۹۱)؛ مقایسه سبک‌های فرزند پروری با مریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام؛ مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، شماره ۱۴.
- ۷- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶)؛ روانشناسی رشد؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۸- دادستان، پریخ (۱۳۹۲)؛ روانشناسی مرضی تحولی - از کودکی تا بزرگسالی؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۹- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۰ ق)؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غصاری؛ تهران: اعلامیه.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷)؛ وسائل الشیعه؛ تهران: المکتب الاسلامیه.
- ۱۱- خوانساری، محمد (۱۳۷۳)؛ شرح غرر الحکم و درر الکلم؛ چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲- ری شهری، محمد (۱۳۸۶)؛ حکمت نامه کودک؛ ترجمه ع پسندیده؛ قم: دارالحديث.
- ۱۳- شریعتمداری، علی (۱۳۸۷)؛ روانشناسی تربیتی؛ تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۴- فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۵)؛ حدیث تربیت؛ بی جا: پیام آزادی.
- ۱۵- ابن ابی الحدید (بی تا)؛ شرح نهج البلاغه؛ مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۱۶- کاوه، سعید (۱۳۸۸)؛ ناکار آمدی‌ها در تربیت فرزندان؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات سخن.
- ۱۷- کریمی، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۸۳)؛ آنچه درباره کودک و نوجوان باید بدانیم؛ ج ۷؛ قم: مرکز



انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ ق)؛ *فروع الکافی*؛ تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ۱۹- طبرسی، حسن ابن فضل (۱۴۰۸)؛ *مکارم الخلاق*؛ بی نا: منشورات الشریف الرضی.
- ۲۰- ماسن، ه.پ. و همکاران (۱۳۸۳)؛ *رشد و شخصیت کودک*؛ ترجمه م. یاسایی؛ تهران: تهران مرکز.
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق)؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)؛ *میزان الحکمه*؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- ۲۳- موسوی، آ. (۱۳۸۳)؛ *خانواده درمانی کاربردی*؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ۲۴- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل البيت.
- ۲۵- هیبتی، خلیل (۱۳۸۱)؛ *بررسی شیوه‌های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های رشد زرقان*؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲۶- یعقوبی، احمد ابن اسحاق (۱۳۵۸)؛ *تاریخ یعقوبی*؛ بی جا: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

27- Baumrind, D. (1991). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Family transitions* (Vol. 2, PP. 111-163). Millsdale NJ: Erlbaum.

28- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3), 487-496

29- Maccoby, E.e, (1984). Socialization and development chang. *Child Development*, 55, 517-52.